

## پاسخ معمای جنایت در بیابان

سرگرد بعد از بررسی خودرو و تحقیق از پسر جوان متوجه شد او داستانسرابی کرده و قتل توسط خودش انجام شده است. اگر مرد مهاجم دختر جوان را هدف ضربه های مرگبار قرار داده بود باید ضربات به سمت راست بدن او وارد می شد. این در حالی است که ضربات به سمت چپ بدن او وارد شده بود. همچنین ادعای او درباره حمله یک نفر به او و نامزدش با واقعیت صحنه مطابقت نداشت. در مسابقه معمای پلیسی این هفته، ۱۶۰۱ نفر از خوانندگان تپش شرکت کردند که ۵۸۴ نفر پاسخ صحیح دادند و از این میان افرادی که پاسخ صحیح را داده اند، حسین صافکاری از تهران و مرضیه عباسی از اصفهان به قید قرعه برنده شدند.

# جنایت پسر شیشه‌ای

دختر جوان خسته از روز پرکار، کلید

را در قفل در چرخاند و وارد آپارتمان شد. کیفش را روی مبل انداخت و چندبار مادر را صدا کرد، اما جوابی نشنید. تعجب کرد، چون در این

روزهای کرونايي مادر از خانه بیرون نمی‌رفت. احتمال داد در اتاق‌های طبقه بالا خواب باشد. درحالی‌که گوشی در دستش بود به سمت راه‌پله رفت. سایه سنگینی را بالای سرش احساس کرد. باورکردنی نبود. مادر از نرده‌های راه‌پله

حلق‌آویز بود. جیغی کشید و دیگر هیچی نفهمید. وقتی به هوش آمد. همسایه‌ها بالای سرش بودند. گیج و منگ بود. مثل برق‌گرفته‌ها تازه یادش آمد مادر را کجا دیده بود. از جا پرید، نگاهش را به نرده‌ها دوخت از مادر خبری نبود اما طنابی از نرده‌ها آویزان بود.

سراغ مادرش را گرفت. یکی از همسایه دستان مهلا را گرفت و سعی کرد او را آرام

کند. «خدا بهت صبر بده. آقا مهدی،

مادرت رو پایین آورد اما دیر شده بود.

خدا رحمتش کنه.»

دقایقی بعد سرگرد رضوانی همراه تیم تجسس پلیس آگاهی پا در خانه گذاشته و تحقیقات خود را آغاز کردند. کارآگاه به بررسی خانه پرداخت. آثاری از به‌هم‌ریختگی دیده نمی‌شد. طناب رختی از نرده آویزان بود. نرده بر اثر فشار قوس پیدا کرده بود. به طبقه بالا رفت. یک لنکه دمپایی روی راه‌پله‌ها افتاده بود و لنکه دیگرش در سالن دیده می‌شد.

وحیدشکری

تپش

شما خوانندگان عزیز برای ما بنویسید که سرگرد بعد از بررسی صحنه قتل و صحبت با پسر و دختر مقتول چطور توانست راز قتل را فاش کند؟ اگر داستان را با دقت بخوانید متوجه می‌شوید. دو دلیل برای افشای راز این پرونده را همراه با نام و نام خانوادگی به شماره ۳۰۰۰۱۱۲۲۴ پیامک کنید. هر هفته به دو نفر از کسانی که پاسخ صحیح بدهند، به قید قرعه کارت هدیه ۵۰ هزار تومانی اهدا می‌شود

برادر تان کجاست؟

بیرون بود. در مسیر خانه است.

باشما زندگی می‌کند؟

بله ۲۰ سال بیشتر ندارد.

سرگرد سپس به راه‌های ورودی خانه پرداخت. هیچ آثاری از ورود به زور روی در دیده نمی‌شد. همسایه‌ها هم رفت‌وآمد مشکوکی ندیده بودند.

ناگهان در خانه باز و پسر جوانی سراسیمه وارد خانه شد. معلوم بود پسر زن میانسال است. بی‌تابی مادرش را می‌کرد. «کاش نمی‌رفتم بیرون و تنهات نمی‌ذاشتم.... گفتی از این وضعیت خسته شدی اما من احمق جدی نگرفتم....»

کارآگاه رفتار پسر جوان را زیر نظر داشت. چند دقیقه‌ای صبر کرد و بعد به سمتش رفت.

مادر تان انگیزه خودکشی داشت؟

امروز چند بار گفت از این وضع خسته شده، اما فکر نمی‌کردم قصد خودکشی داشته باشد.

از چه وضعی؟

کرونا و خانه‌نشینی.

تعریف کنید امروز کجاها رفتید؟

صبح مادرم را به بازار روز بردم. ظهر به خانه برگشتیم. خریدش را تمیز کرد و بعد از ضدعفونی سرجایش گذاشت. حدود ساعت ۳ عصر از خانه بیرون رفتم و با تماس خواهرم متوجه ماجرا شده و سریع خودم را به خانه رساندم.

سرگرد بعد از تحقیق از پسر جوان یک‌بار دیگر آنچه را دیده و شنیده بود، مرور کرد و در تماس با بازپرس جنایی از او حکم بازداشت پسر جوان را به اتهام قتل مادرش گرفت.

جسد زن میانسال در پاگرد خانه قرار داشت و دکتر در حال معاینه آن بود. کبودی در تمام گردن زن دیده می‌شد. پزشک قبل از این‌که سرگرد سؤال کند، گفت: فعلاً می‌توانم بگویم علت مرگ خفگی است.

سرگرد سپس سراغ دختر این زن رفت تا از او تحقیق کند.

مادر تان افسردگی داشتند؟

شما فکر می‌کنید او خودکشی کرده؟ مادر من زن سرزنده‌ای بود که انگیزه‌ای برای خودکشی نداشت. من مطمئنم او را کشته‌اند؟

سرقتی از خانه شده؟

نمی‌دانم اما مدالی گران‌قیمت دور گردن مادرم بود که الآن نیست.

آخرین بار چه زمانی با او صحبت کردید؟

صبح ساعت ۱۰ با من تماس گرفت و گفت با برادرم برای خرید به بازار روز می‌رود. دیگر از او خبر نداشتم تا این‌که به خانه آمدم و با جسد او روبه‌رو شدم.

به کسی مشکوک نیستید؟

نه. باکسی رفت‌وآمد نداشتم. به‌خصوص الآن که کرونا شیوع پیدا کرده. مادرم خیلی وسواسی بود.

## انگیزه قتل چه بود؟

پسر جوان روز بعد وقتی مقابل کارآگاه نشست، بدون هیچ مقاومتی به قتل مادرش اعتراف کرد و گفت: مدتی بود به شیشه اعتیاد پیدا کرده بودم. مادر و خواهرم از موضوع خبر نداشتند. چند بار از طلاهای مادرم دزدیدم و مواد خریدم. دیروز ظهر در اتاقم مشغول مصرف شیشه بودم که مادرم سر رسید و مرا در حال مصرف دید. شروع به داد و فریاد کرد و من هم در حال عادی نبودم و او را کشتم.

## قتل همسر و دختر ۳ ساله

در این ستون هر هفته به مرور زندگی قاتلانی می‌پردازیم که جنایت‌هایشان خبرساز شده بود و زندگی آنها بر اساس اعترافات‌شان در دادگاه به نوعی از زبان خودشان روایت می‌شود. این هفته سراغ مرد جوانی رفتیم که همسر و دخترش را قربانی جنایت کرد.

۴۰ بهار از زندگی‌ام گذشته بود که مهر قاتل بودن بر پیشانی‌ام حک شد، آن هم قتل همسر و دختر سه ساله‌ام. حدود شش سال قبل از جنایت با همسرم ازدواج کردم و حاصل این ازدواج دختری سه ساله بود. مدتی بود با همسرم اختلاف داشتم و چندبار با هم درگیر شدیم. بهمن ۸۶ در خانه بودم که همسرم لباس بیرون پوشید و به سمت در رفت. سد راهش شدم و گفتم اجازه نمی‌دهم بیرون بروی. او مرا هل داد و با دیوار برخورد کردم. این کارش مرا بیشتر عصبانی

## سلفی با چوبه‌دار

کرد و چاقویی برداشته و به سمتش رفتم و چند ضربه به او زدم که غرق در خون روی زمین افتاد. با صدای گریه دختر سه ساله‌ام به خودم آمدم. من که دیر یا زود دستگیر می‌شدم و دخترم بدون پدر و مادر نمی‌توانست زندگی خوبی داشته باشد به همین خاطر به سمت او رفتم و سه ضربه چاقو به او زدم که باعث مرگش شد.

بعد از قتل همسر و دخترم دستگیر شدم و خانواده همسرم درخواست قصاص کرده و اعلام کردند نه‌تنها رضایت نمی‌دهند بلکه تفاضل دیه را هم برای اجرای حکم پرداخت می‌کنند. پرونده‌ام خیلی زود در دادگاه رسیدگی شد و قضات حکم به قصاص دادند که این حکم در دیوان عالی کشور حکم تایید خورد.

سرانجام یک روز سرد پاییزی مرا برای اجرای حکم به محوطه زندان بردند که تلاش‌هایم برای جلب رضایت بی‌نتیجه ماند و پرونده زندگی‌ام برای همیشه بسته شد.